

## هر روز موهبتی است



- جان کری
- ترجمه علی مجتهدزاده
- کتاب پارسه
- ۴۵۰ صفحه
- ۱۲۰ هزار تومان

داستان شخصی جان کری است. کری در سال ۱۹۶۶ در نیروی دریایی ایالات متحده ثبت‌نام کرد و در ویتنام خدمت کرد. او به همراه مدال اما سرخورده به خانه بازگشت و پیش از کنگره به عنوان جانباخت جوان مخالف جنگ شهادت داد. این کتاب شرح حال پرشور، روشن‌گر، گاه خنده‌دار و همیشه در حال حرکت از زندگی کری است.

## بدون هراس



- وندی شرمن
- ترجمه محمد جمشیدی و علی رستمی
- انتشارات سروش
- ۳۲۸ صفحه
- ۸۵ هزار تومان

وندی شرمن رئیس مذاکرات ۵+۱ ایران در تیم آمریکا بوده است؛ اسم او برای بسیاری از ایرانیان یا حداقل برای اهل سیاست نامی آشناست. او در کتاب بدون هراس خاطراتش را می‌گوید و از تجربیاتی می‌گوید که به او کمک کردند تا در مقام یک دیپلمات عالی‌رتبه کارنامه موفقی از خود به‌جا بگذارد. وندی شرمن مذاکره با ایران و برجام را بزرگ‌ترین دستاورد زندگی حرفه‌ای و سیاسی خودش می‌داند. این کتاب دو قسمت دارد؛ یک بخش آن به زندگی خود شرمن از کودکی پرداخته و بخش دیگر کتاب، تجربیات و خاطرات شرمن از دوران مذاکره با سیاستمداران ایرانی است.

## به جهنم و جاهای دیگر



- دفترچه خاطرات قرن بیست‌ویکم
- مادلین آلبرایت
- ترجمه علی مجتهدزاده
- کتاب پارسه
- ۴۳۲ صفحه
- ۹۹ هزار تومان

مادلین آلبرایت که ۲۲ مارس ۲۰۲۲ درگذشت، در این خاطرات فاش‌کننده، خنده‌دار و الهام‌بخش، در مورد چالش ادامه کار بسیار فراتر از سن طبیعی بازنشستگی می‌گوید. این داستانی از دوران ما است که می‌تواند برای ما آموزنده باشد. داستانی که توسط یک زن خارق‌العاده با ذوق بی‌نظیر برای زندگی روایت می‌شود.

هسته‌ای در دو سطح قابل بررسی است: یکی در مذاکرات با ایران در قالب دوجانبه یا چندجانبه و دیگری به‌عنوان عضو آژانس به‌خصوص عضو شورای حکام. از زمانی که مذاکرات سه کشور اروپایی (EU3) با ایران به مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ تبدیل شد، نقش این دو کشور طبیعتاً پررنگ‌تر شد. این دو کشور از ابتدا یعنی سال ۲۰۰۳ در آژانس به‌عنوان عضو شورای حکام نقش داشتند و ادعا می‌کردند تلاش خواهند کرد از قطع‌نامه‌ها کاسته شود. به‌نظر این جانب این که نتوانستند مانع ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل متحد شوند و حتی به قطع‌نامه‌ای که بنده ثابت کردم مبنای حقوقی ندارد، رأی دادند و این امر جای تأمل دارد. اگرچه هر دو مدعی بوده و هستند که در آژانس و شورای امنیت سازمان ملل در تعدیل قطع‌نامه‌های ضدایرانی تلاش کردند که البته تا حدی برایشان محسوس بود.

## بیانیه سران ایران، برزیل، ترکیه و بدعهدی آمریکا

سلطانیه در بخش دوازدهم خاطراتش با عنوان «پرونده هسته‌ای و نقاط سیاه در پرونده سازمان‌های بین‌المللی» در مورد علت به نتیجه نرسیدن بیانیه مشترک سران ایران، برزیل و ترکیه می‌گوید: «باتوجه به پیشنهاد باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به آقای لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور وقت برزیل، سران کشور برزیل و ترکیه به ایران رجوع و درخواست کردند که ایران هم انعطاف نشان بدهد و بالاخره مذاکرات تهران منجر به صدور یک بیانیه مشترک بین برزیل، ایران و ترکیه شد. ایران نیز آمادگی خود را با توجه به درخواست طرف مقابل اعلام کرد تا ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای پایین‌تر از پنج درصد تولیدی را به ترکیه بفرستد و آنها نیز سوخت (با غنای ۲۰ درصد) مورد نیاز را تولید کنند و سپس با نظارت آژانس به ما تحویل دهند. پس از توافق میان سران برزیل، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران درباره تامین سوخت رآکتور تهران در ۱۷ می ۲۰۱۰ میلادی، آمریکا در عکس‌العملی غیرمعمول و خلاف توقع برزیل و ترکیه، به جای استقبال و قدردانی از تلاش این دو کشور و مصالحه با ایران، قطع‌نامه ۱۹۲۹ را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرد. طبیعتاً برزیل و ترکیه که از این اقدام آمریکا بسیار ناخرسند بودند به این قطع‌نامه رأی منفی دادند. شایان ذکر است که اوباما در ملاقات و مکاتبه خصوصی از آقای لولا رئیس‌جمهور وقت درخواست کرده بود ایران را راضی کند تا زمان دریافت سوخت غنی شده ۲۰ درصد برای رآکتور تهران، ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم را به خارج بفرستد. بلافاصله حسب دستور مقامات مسئول در کشورمان، پس از صدور بیانیه تهران بنده شخصاً متن را به همراه دادداشت رسمی در ملاقات با آقای آمانو به ایشان تحویل دادم و رسماً اعلام کردم که بر اساس بیانیه تهران، ایران آماده است ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم را به خارج صادر کند و بر اساس این موافقت‌نامه تحت نظارت آژانس سوخت رآکتور تهران تامین بشود و اعلام آمادگی کردیم که مذاکرات با کشورها سریع آغاز شود تا با آن‌ها وارد جزئیات شویم. این تذکر لازم به دلایلی اعلام نشد، از طرفین دوره قبل مذاکرات (روسیه، آمریکا و فرانسه) دعوت نکرد و چنین جلسه‌ای هرگز برگزار نشد. در عوض قطع‌نامه شورای امنیت صادر شد و فضا را علی‌رغم نهایت حسن‌نیت و مصالحه ایران منفی کردند؛ لذا کشورمان هیچ گزینه‌ای جز تولید سوخت ۲۰ درصد توسط متخصصان خود را نداشت. حالا باید گفت «عدو شود سبب خیر، اگر خدا خواهد»، زیرا باعث شده‌اند جمهوری اسلامی ایران به تامین سوخت مورد نیاز در زمانی بسیار کوتاه‌تر از آن چه متخصصان بین‌المللی حدس می‌زدند، دست پیدا کند.»



**دکتر سلطانیه سال ۱۳۷۴ به مدت یک سال به مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری مأمور شده و مسئولیت پروژه خلع سلاح‌های هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی را عهده‌دار شد و از سال ۱۳۷۵ با حکم دکتر ولایتی به‌عنوان مشاور وزیر امور خارجه، به وزارت امور خارجه منتقل شد و از سال ۱۳۷۸ به مدت سه سال به‌عنوان سفیر و نفر دوم نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد و پس از بازگشت از مأموریت ژنو، به سمت معاون مدیرکل سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه منصوب شد. ایشان با آغاز مباحث موضوع هسته‌ای کشورمان در آژانس از سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به‌عنوان دبیر کمیته کارشناسی هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی فعالیت کرد. سلطانیه که ۵ سال در دولت موسوی به‌عنوان اولین سفیر ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت کرده بود، این تجربه را به‌مدت ۷ سال در دولت احمدی‌نژاد نیز تکرار کرده است.**

او از طریق ارتباطی که با دبیر شورای حکام داشته، متوجه می‌شود که در عصر همان روز یکی از بندهای دستورکار شورای حکام حمله رژیم صهیونیستی به نیروگاه اتمی عراق است. او عصر همان روز در جلسه حاضر می‌شود و با اضافه کردن یک بند در محکوم کردن حمله رژیم صهیونیستی به بیانیه صبح خود در خواست می‌کند تا در مورد محکومیت این رژیم صحبت کند. نماینده عراق دیگر اعتراضی نداشت و حتی خوشحال هم شد. سلطانیه از فرصت ایجادشده استفاده می‌کند، بند اول را می‌خواند و سپس در ادامه می‌گوید: «چون جامعه بین‌الملل برخورد جدی با رژیم صهیونیستی نداشته است، صدام نیز این کار را تکرار و به نیروگاه بوشهر حمله کرده است.» نماینده عراق که شوکه شده بود، پلاکارد کشورش را به زمین می‌کوبد تا سخنان سلطانیه را قطع کند اما او صحبت‌هایش را ادامه می‌دهد و موضع ایران را مطرح می‌کند.

دکتر سلطانیه سال ۱۳۷۴ به مدت یک سال به مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری مأمور شده و مسئولیت پروژه خلع سلاح‌های هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی را عهده‌دار شد و از سال ۱۳۷۵ با حکم دکتر ولایتی به‌عنوان مشاور وزیر امور خارجه، به وزارت امور خارجه منتقل شد و از سال ۱۳۷۸ به مدت سه سال به‌عنوان سفیر و نفر دوم نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد و پس از بازگشت از مأموریت ژنو، به سمت معاون مدیرکل سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه منصوب شد. ایشان با آغاز مباحث موضوع هسته‌ای کشورمان در آژانس از سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به‌عنوان دبیر کمیته کارشناسی هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی فعالیت کرد. سلطانیه که ۵ سال در دولت موسوی به‌عنوان اولین سفیر ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت کرده بود، این تجربه را به‌مدت ۷ سال در دولت احمدی‌نژاد نیز تکرار کرده است.

## نقش مخرب منافقین در پرونده هسته‌ای

دکتر سلطانیه در خاطراتش می‌گوید: «سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) با ارائه اطلاعات غلط و گمراه کردن کارشناسان آژانس، نقش مخربی داشت. البته در همان ابتدا مضحک بودن این ادعاها ثابت شد. پس از جوسازی آنان در هتلی در واشنگتن در سال ۲۰۰۲ در رسانه‌های غربی برجسته و فشار به‌ویژه آمریکا، به‌همراه تیم بازرسی زس به سرپرستی معاون وقت اولی هاینونی به نطنز رفته‌ام، از فاصله دور در جاده اصلی تهران-قم، ساختمان‌ها مشخص شد، او به من گفت: «رسیدیم.» با خنده به او گفتم: «تاکنون گفته شده بود تاسیسات مخفی زیرزمینی است و MKO (منافقین) آن را کشف کرده‌اند! از تو انتظار دارم این حقایق را در وین به نمایندگان کشورها بگویی. البته او به‌دلیل اهداف پنهان و هم‌کاری نزدیک با آمریکا که بعداً مشخص شد... این انتظار به‌حق را انجام نداد تا این که خودم مدتی بعد زمانی که به‌عنوان نماینده ایران نزد آژانس منصوب شدم، در نشست‌ها با سفرا و رسانه‌ها در وین تشریح و افشای‌گری کرده و گفتم: اتوبوس‌ها وقتی در جاده به طرف قم می‌رفتند، به محل تاسیسات نطنز که از کنار جاده دیده می‌شد، اعلام می‌کردند: «ایستگاه انرژی اتمی!» همه چیز آشکار و علنی بوده و کشفی انجام نشده و پنهان‌کاری نبوده است.»

## مواضع چین و روسیه در پرونده هسته‌ای

مواضع چین و روسیه در پرونده هسته‌ای از دیگر موضوعاتی است که سلطانیه در خاطراتش به آن پرداخته و گفته: «نقش روسیه و چین در پرونده